

بررسی تأثیر سیاست تقسیم سود بر رابطه‌ی بین کیفیت سود و حق‌الزحمه حسابرسی

ولی خدادادی

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز

محمد حسین قلمبر

مربی گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز

علی چراغی نیا*

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

مطالعات نشان می‌دهد سود سهام نقدی اطلاعاتی در مورد کیفیت سود گزارش شده شرکت‌ها بیان می‌کند بدین معنی که شرکت‌هایی که سود سهام پرداخت می‌کنند سود با کیفیت بالاتری نسبت به شرکت‌هایی که سود سهام پرداخت نمی‌کنند، گزارش می‌کنند. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر سیاست تقسیم سود بر رابطه‌ی بین کیفیت سود و حق‌الزحمه حسابرسی در ۸۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ است که با استفاده از الگوی رگرسیون چند متغیره به روش داده‌های تابلویی به تحلیل نتایج پرداخته شده است. در این پژوهش پایداری سود و دستکاری سود به عنوان شاخص‌های کیفیت سود در نظر گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین پایداری سود و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. هم‌چنین، نتایج نشان می‌دهد سود نقدی پرداختی تأثیر معناداری بر رابطه بین پایداری سود و حق‌الزحمه حسابرسی ندارد. افزون بر این یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که سود نقدی پرداختی تأثیر معناداری بر رابطه بین دستکاری سود و حق‌الزحمه حسابرسی ندارد.

واژگان کلیدی: سیاست تقسیم سود، کیفیت سود و حق‌الزحمه حسابرسی.

۱ - مقدمه

صورت‌های مالی بخش عمده‌ای از اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان یک شرکت را تأمین می‌کند. بر اساس چنین سطح اعتمادی به صورت‌های مالی، نقش حسابرسان نیز نقشی حیاتی است. حسابرسی صورت‌های مالی امری ضروری است زیرا صورت‌های مالی حسابرسی شده می‌تواند این اطمینان را برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان فراهم کند که اطلاعاتی معتبر و قابل اتکا در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد؛ بنابراین، حسابرسی صورت‌های مالی می‌تواند ارزش افزوده اقتصادی را برای یک شرکت به وجود آورد.

رسالت حسابرسی، اعتباربخشی به گزارشگری مالی و اعتمادسازی برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی است و در مقابل منافع اقتصادی حسابرسان نیز از طریق حق الزحمه تأمین می‌شود. حق الزحمه حسابرسی، شامل هرگونه وجهی است که بابت ارائه خدمات حسابرسی و طبق توافق، بر اساس قرارداد به حسابرسان یا مؤسسه حسابرسی پرداخت می‌گردد. حق الزحمه حسابرسی، منعکس‌کننده هزینه‌های اقتصادی حسابرسان کارآمد می‌باشد. از منظر حسابرسان، حسابرسان به دنبال حداقل کردن کل هزینه‌ها از طریق تراز کردن هزینه‌های منابع خود (هزینه‌های انجام کار حسابرسی بیشتر) و زیان‌های آتی ناشی از بدهی قانونی می‌باشند. تلاش حسابرسی بیشتر، احتمال اینکه حسابرسان متحمل زیان‌های بدهی شوند را کاهش می‌دهد و حسابرسان حجمی از کار حسابرسی را که کل هزینه‌ها را حداقل می‌کند، ارائه می‌نماید (کارسلو و همکاران، ۲۰۰۲).

بررسی عوامل تأثیرگذار بر حق الزحمه حسابرسی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، زیرا عدم توجه به این عوامل و قیمت‌گذاری حسابرسی به عنوان یک کالای همگن و غیررقابتی می‌تواند تأثیرات منفی بر استقلال و کیفیت کار حسابرسی بگذارد (مهرانی و جمشیدی اوانکی، ۱۳۹۰). ویژگی‌های حسابرسان و واحد مورد رسیدگی، تعیین‌کننده حق الزحمه حسابرسی می‌باشند. ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی، از جمله کیفیت سود و سیاست تقسیم سود می‌تواند، بر حق الزحمه حسابرسی تأثیرگذار باشد (رجبی و محمدی خشوئی، ۱۳۸۷).

بنابراین، یک چالش برای بررسی رابطه بین کیفیت سود و حق الزحمه حسابرسی با توجه به تمایل مدیران برای بیش از واقع نشان دادن سود وجود دارد. سود ممکن است با توجه به انگیزه‌های مدیریت، مورد دستکاری واقع شود. با توجه به اینکه قراردادهای پاداش مدیران، اغلب مبتنی بر ارقام حسابداری گزارش شده می‌باشد، آن‌ها ممکن است به منظور افزایش اعتبار و پاداش خود بر سودهای گزارش شده تأثیر بگذارند. مدیرانی که دارای قراردادهای پاداش مبتنی بر سود می‌باشند، تمایل دارند تا از روش‌های افزایش سود به منظور حداکثر کردن درآمدهای خود استفاده کنند. همچنین، مدیران گاهی از مدیریت سود به منظور افزایش ارزش شرکت استفاده می‌کنند (لتریدیس و کدورینیس، ۲۰۰۹).

مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره سوم، شماره ۱، پیاپی ۸، بهار ۱۳۹۵/ ۱۱۳/

مطالعات نشان می‌دهد سود سهام نقدی اطلاعاتی در مورد کیفیت سود گزارش شده شرکت‌ها بیان می‌کند بدین معنی که شرکت‌هایی که سود سهام پرداخت می‌کنند سود با کیفیت بالاتری نسبت به شرکت‌هایی که سود سهام پرداخت نمی‌کنند، گزارش می‌کنند (اسکینر و سولتس، ۲۰۱۱؛ کسکی و هنلان، ۲۰۱۳). از آنجا که مطالعات نشان می‌دهد سود سهام نقدی اطلاعات ارزشمندی در مورد کیفیت سود گزارش شده شرکت‌ها فراهم می‌کند، استدلال ما این است که حسابرسان ممکن است اطلاعات گنجانده شده در سیاست‌های سود سهام را برای ارزیابی ریسک دستکاری سود مشتریان خود استفاده کنند. از طرف دیگر، اگر ریسک دستکاری سود مشتری بیشتر باشد، پس حسابرسان ملزم به کاهش ریسک حسابرسی از طریق انجام آزمون اضافی و یا تخصیص منابع اضافی می‌شوند که این خود باعث افزایش حجم کار حسابرسی خواهد شد. در نتیجه انتظار بر این است که حسابرسان حق‌الزحمه کمتری از مشتریانی که سود سهام پرداخت می‌کنند درخواست کنند.

در این پژوهش تأثیر سیاست تقسیم سود بر کیفیت سود شرکت‌ها برای کمک به حسابرس در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهمیت این پژوهش این است که به مدیران، سرمایه‌گذاران، حسابرسان و سایر تصمیم‌گیرندگان نشان می‌دهد؛ سود پرداختی چه تأثیری بر کیفیت سود شرکت‌ها برای تعیین حق‌الزحمه حسابرسی دارد. سرمایه‌گذاران می‌توانند علاوه بر توانایی شرکت در پرداخت سود سهام به تأثیر آن در مدیریت سود و میزان حق‌الزحمه حسابرسی توجه کنند و حسابرسان هم می‌توانند از اثرات سود پرداختی در کیفیت سود شرکت‌ها برای تعیین حق‌الزحمه خود استفاده کنند.

۲. مبانی نظری و پیشینه

در پایان هر سال مالی، درصدی از سود گزارش شده توسط شرکت‌ها بین سهامداران تقسیم می‌شود. این که چه مقدار از سود قابل تقسیم است و به چه شکل تقسیم خواهد شد؛ موضوعی است که برای سهامداران حائز اهمیت است. در واقع سیاست تقسیم سود عامل مهمی در تصمیم‌گیری سهامداران بالقوه و بالفعل می‌باشد. رقم سود مندرج در صورت‌های مالی علاوه بر اینکه عملکرد عملیاتی و دورنمای آتی شرکت را نشان می‌دهد؛ زمینه مقایسه بین شرکت‌ها را نیز فراهم می‌کند؛ اما زمانی استفاده‌کنندگان می‌توانند به رقم سود اتکا کنند که سود بتواند عملکرد شرکت را به طور منصفانه و واقعی منعکس نماید (عاملی، ۱۳۸۸). فرضیه محتوای اطلاعاتی سود بیان می‌دارد؛ سود سهام نقدی حاوی اطلاعاتی درباره چشم‌انداز آتی سودهای شرکت است. مدیران شرکت‌ها تمایلی به افزایش سود سهام نقدی ندارند؛ مگر آن‌ها بر این باور

باشند که می‌توانند سطح جدید سود سهام نقدی را در آینده حفظ کنند؛ بنابراین توزیع منظم سود سهام نقدی از پایداری سودهای آتی خبر می‌دهد و فرض می‌شود سود سهام نقدی حاوی اطلاعاتی درباره کیفیت سود است. بر این اساس بعید به نظر می‌رسد شرکت‌هایی که کیفیت سود آن‌ها سؤال برانگیز است بتوانند از سیاست پرداخت منظم سود سهام نقدی حمایت کنند (تهرانی و ذاکری، ۱۳۸۸). هم‌چنین سود سهام نقدی حاوی اطلاعاتی درباره تغییرات سودهای آتی است. وقتی سود سهام نقدی تغییر می‌کند نشان از تغییر سودهای آتی دارد. وقتی شرکت‌ها پرداخت سود سهام نقدی را تعهد می‌کنند؛ به ویژه وقتی این سود محتوای اقتصادی داشته باشد به سرمایه‌گذاران کمک می‌کنند تا درباره کیفیت سودهای گزارش شده متقاعد شوند؛ بنابراین حتی اگر تغییر سود نقدی به طور قابل‌اتکایی در رابطه با تغییرات سودهای آتی محتوای اطلاعاتی نداشته باشد؛ به سرمایه‌گذاران کمک می‌کنند تا متقاعد شوند که سود گزارش شده در دوره‌های آتی حفظ خواهد شد (کردستانی، ۱۳۸۳).

سود خالص به عنوان عاملی برای تدوین سیاست‌های تقسیم سود به شمار می‌آید (تهرانی و ذاکری، ۱۳۸۸). سیاست تقسیم سود شرکت می‌تواند نشان‌دهنده واقعی بودن یا نبودن سود گزارش شده و ارائه منصفانه عملکرد عملیاتی واحد تجاری باشد. در واقع مدیران زمانی تصمیم به پرداخت یا افزایش سودهای تقسیمی می‌گیرند؛ که احساس کنند سود آن‌ها به طور قابل ملاحظه تحت تأثیر دستکاری روش حسابداری نیست و کاهش سودهای تقسیمی در آینده غیرمحتمل است (فاما و فرنج، ۲۰۰۱). طبق نظر لینتر (۱۹۵۶)، مدیران شرکت‌ها تمایلی به افزایش سود سهام نقدی ندارند؛ مگر بر این باور باشند که می‌توانند این سطح جدید سود نقدی را در آینده نیز حفظ کنند. لذا شرکت‌ها زمانی که متعهد به پرداخت مبلغ قابل توجهی سود نقدی می‌شوند؛ به سرمایه‌گذاران کمک می‌کنند تا درباره کیفیت سودهای گزارش شده متقاعد شوند (تهرانی و ذاکری، ۱۳۸۸). با این مفهوم، سودهای تقسیمی نه تنها علامتی برای قابلیت سودآوری آینده به شمار می‌رود؛ بلکه علامتی برای کیفیت سود (سود با درجه کمی از دستکاری) است. هم‌چنین، سود تقسیمی یک شیوه مؤثر نظارت مدیریتی است. انتظار می‌رود که مدیران به منظور حفاظت از خود، کمتر دچار وسوسه دستکاری سود شوند. از طرف دیگر، با پرداخت مرتب سود و یا تغییرات مثبت آن، سرمایه‌گذاران به کیفیت سودهای گزارش شده (با فرض ثابت بودن سایر موارد) بی‌خواهند برد (علوی طبری و همکاران، ۱۳۸۸).

مطالعات نشان می‌دهد سود سهام نقدی اطلاعاتی در مورد کیفیت سود گزارش شده شرکت‌ها بیان می‌کند بدین معنی که شرکت‌هایی که سود سهام پرداخت می‌کنند سود با کیفیت بالاتری نسبت به شرکت‌هایی که سود سهام پرداخت نمی‌کنند، گزارش می‌کنند (اسکینر و سولتس، ۲۰۱۱؛ کسکی و هنلان، ۲۰۱۳). علاوه بر این، سیاست‌گذاران فرض می‌کنند که شرکت‌ها می‌توانند سیاست‌های پرداخت سود سهام را به عنوان وسیله‌ای برای کاهش احتمال تقلب در

صورت‌های مالی اتخاذ کنند (بریدین، ۲۰۰۳؛ گلاسمن، ۲۰۰۵).

مطالعات گذشته نشان می‌دهد پرداخت سود سهام مشتریان با ضرایب واکنش سود بالاتر در ارتباط است (سیویاکومار و ویمایر، ۱۹۹۳)، سود پایداری بیشتری دارد (اسکینر و سولتس، ۲۰۱۱) و احتمال کمتری به ارتکاب تقلب گزارش‌های مالی وجود دارد (کسکی و هنلان، ۲۰۱۳). از این مطالعات می‌توان نتیجه‌گیری کرد که محتوای اطلاعات کیفیت سود، ناشی از پرداخت سود سهام توانایی رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت را محدود می‌کند که نشان می‌دهد پرداخت سود سهام ارائه تضمین در مورد کیفیت سود گزارش‌شده شرکت است. علاوه بر این، شواهد نشان می‌دهد مدیران شرکت‌ها بر این باورند سیاست تقسیم سود شرکت‌ها به حل و فصل شک و تردید شرکت‌ها کمک می‌کند. هرچند این مطالعات شواهدی در خصوص سیاست تقسیم سود به عنوان محتوای اطلاعات کیفیت سود ارائه می‌کنند، اما هیچ مطالعه‌ای به بررسی این که آیا پرداخت سود سهام در ارزیابی حساب‌برسان از ریسک دستکاری سود مشتریان مؤثر است، انجام نشده است (براو و همکاران، ۲۰۰۵).

استانداردهای حسابرسی حساب‌برسان را ملزم به ارزیابی ریسک تحریف با اهمیت مشتری و به دست آوردن شواهد کافی برای کاهش ریسک حسابرسی به یک «سطح قابل قبول» می‌کنند (اهداف و اصول کلی حسابرسی صورت‌های مالی، بخش ۲۰). به این ترتیب، حساب‌برسان ابزارهای مختلفی برای ارزیابی ریسک دستکاری سود مشتریان خود اتخاذ کرده‌اند (بدار و جانستون، ۲۰۰۴).

حساب‌برسان ممکن است اطلاعات کیفیت سود سهام نقدی را برای ارزیابی ریسک به دو دلیل ترکیب کنند:

اول، گزارشگری پایدار شرکت، سودهای نسبتاً پایدار در طول چند سال به طور معمول نشان-دهنده معیار ریسک کمتر حسابرسی است، اما این پایداری سود ممکن است از تلاش مدیریت برای دستکاری سود واقعی شرکت‌ها در جهت هموارسازی سود گزارش‌شده باشد. از آنجا که یکی از عوامل مهم تصمیم‌گیری شرکت‌ها برای پرداخت سود سهام پایداری سود جاری به دوره آتی است (براو و همکاران، ۲۰۰۵)، پرداخت سود سهام به حساب‌برسان تضمین می‌دهد که سود گزارش‌شده کمتر احتمال دارد در نتیجه اقدامات هموارسازی مصنوعی باشد. در نتیجه، انتظار بر این است که حساب‌برسان حق‌الزحمه کمتری از مشتریانی که سود سهام پرداخت می‌کنند درخواست کنند.

دوم، اگر مشتریان سود سهام پرداخت کنند کمتر احتمال دارد که مرتکب تقلب حسابداری شوند (کسکی و هنلان، ۲۰۱۳)، تصمیم به پرداخت سود سهام به حساب‌برسان اطلاع می‌دهد که یک محدودیت در توانایی مدیران برای انجام دستکاری سود وجود دارد؛ به عبارت دیگر،

هنگامی که خطر قابل توجهی از دستکاری سود مشتری وجود دارد، پرداخت سود سهام باعث کاهش نگرانی حسابرسان از قصد مشتری برای تحریف عمده در صورت‌های مالی می‌شود. این نقش سود سهام نقدی در یک وضعیت با ریسک دستکاری سود بالا شبیه به نقش نمایندگی در سود سهام نقدی است که نشان می‌دهد پرداخت سود سهام باعث کاهش نگرانی سهامداران از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت می‌شود (استریوک، ۱۹۸۴). با توجه به اینکه ارتباط مثبتی بین حق الزحمه‌های حسابرسی و ریسک دستکاری سود مشتری وجود دارد (بدارد و جانستون، ۲۰۰۴؛ هوگن و ویلکینز، ۲۰۰۸)، انتظار بر این است که با افزایش ریسک دستکاری سود، حسابرسان حق الزحمه کمتری از مشتریانی که سود سهام پرداخت می‌کنند نسبت به مشتریانی که سود سهام پرداخت نمی‌کنند درخواست کنند.

سود سهام نقدی و کیفیت سود گزارش شده شرکت‌ها

در ادبیات مالی، محتوای اطلاعاتی سود سهام نشان می‌دهد «تصمیمات تقسیم سود مدیران اطلاعاتی در مورد چشم‌انداز سود شرکت ارائه می‌کند» (اسکینر و سولتس، ۲۰۱۱). این نظریه پیشگویی کرده که پرداخت سود عدم تقارن اطلاعات را به وسیله انتقال انتظارات مدیریت در مورد جریان سود آتی شرکت کاهش می‌دهد و اجازه می‌دهد تا سرمایه‌گذاران، واحد تجاری را از سایر رقبای خود جدا کنند (میلر و مودیگلیانی، ۱۹۶۱). درحالی‌که بسیاری از مطالعات این فرضیه را مورد آزمون قرار داده‌اند، شواهد تجربی برای حمایت از این فرضیه دارای نتایج متفاوتی است (براو و همکاران، ۲۰۰۵؛ و دی‌آنجلو و اسکینر، ۲۰۰۸). با این وجود، ادبیات حسابداری یک دیدگاه جایگزین در محتوای اطلاعاتی سود سهام ایجاد کرده است که نشان می‌دهد سود سهام پرداختی اطلاعات را انتقال می‌دهد، اما این انتقال اطلاعات در ارتباط با کیفیت سود گزارش شده شرکت‌هاست، نه سود آتی آن‌ها (اسکینر و سولتس، ۲۰۱۱).

سود سهام نقدی نقش انتقال اطلاعات به دست آمده از تمایلات سرمایه‌گذاران به قیمت سود دوره جاری با یک ارزش بیشتر زمانی که سود گزارش شده پایدارتر است را دارد و مدیران تنها زمانی تمایل به پرداخت سود دارند که اعتقاد داشته باشند عملکرد فعلی برای سال آینده پایدار است (براو و همکاران، ۲۰۰۵). این یافته‌ها بیانگر آن است که پرداخت سود سهام به عنوان یک ابزار قابل مشاهده برای تأیید یا تضمین کیفیت سود گزارش شده شرکت‌ها برای استفاده-کنندگان برون‌سازمانی است. در مجموع، پرداخت سود سهام نه تنها کیفیت سود گزارش شده شرکت‌ها را تأیید می‌کند، بلکه به نظر می‌رسد احتمال رفتار گزارشگری فرصت‌طلبانه مدیریت را نیز کاهش می‌دهد.

ریسک دستکاری سود و حق الزحمه حسابرسی

حسابرس در اجرای حسابرسی بر اساس استانداردهای حسابرسی، از نبود تحریف بااهمیت

مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره سوم، شماره ۱، پیاپی ۸، بهار ۱۳۹۵/ ۱۱۷/

(ناشی از تقلب یا اشتباه) در صورت‌های مالی به عنوان یک مجموعه واحد، اطمینانی معقول کسب می‌کند. اطمینان معقول، مفهومی است مرتبط با گردآوری شواهد حسابرسی لازم تا حسابرس بتواند به این نتیجه برسد که صورت‌های مالی به عنوان یک مجموعه واحد، فاقد تحریف با اهمیت است. اطمینان معقول به تمام فرایندهای حسابرسی مربوط می‌شود (اهداف و اصول کلی حسابرسی صورت‌های مالی، بخش ۲۰). به بیان ساده‌تر، اگر ریسک دستکاری سود مشتری بیشتر باشد، پس حسابرسان ملزم به کاهش ریسک حسابرسی به طور کلی از طریق روش‌های آزمون اضافی و یا اختصاص منابع اضافی به حسابرسی معاملات است که به احتمال زیاد منجر به تحریف اساسی در صورت‌های مالی می‌شود.

مطابق با استانداردهای حسابرسی، مطالعات نشان می‌دهد حسابرسان به ریسک بالای مشتری با افزایش تلاش‌های حسابرسی و حق‌الزحمه خود واکنش نشان می‌دهند. همچنین حق‌الزحمه حسابرسی با کمبود کنترل‌های داخلی افزایش می‌یابد (هوگن و ویلکینز، ۲۰۰۸). مطالعات نشان می‌دهد مشتریان با ریسک دستکاری سود بیشتر، به عنوان متقلب حسابداری شناخته می‌شوند که نشان‌دهنده ارتباط مسلم با حق‌الزحمه حسابرسی است (بادرتچر و همکاران، ۲۰۱۳).

سود سهام نقدی، پایداری سود و حق‌الزحمه حسابرسی

همان‌طور که توسط اسکینر و سولتس (۲۰۱۱) اشاره شده، سود نقدی اطلاعاتی درباره صحت و درستی پایداری سود گزارش‌شده فراهم می‌کند. اگر ما نتایج خود را در یک محیط حسابرسی و الزام به بررسی و واکنش به ریسک دستکاری سود مشتریان را اعمال کنیم، این نشان می‌دهد که وضعیت سود سهام پرداخت‌شده شرکت می‌تواند حسابرسان را با اطلاعات بیشتری در مورد اعتبار پایداری سود گزارش‌شده آگاه سازد و حسابرسان به این نتیجه می‌رسند شرکت‌هایی که سود سهام پرداخت می‌کنند ریسک دستکاری سود کمتری دارند. به خصوص؛ به واسطه اینکه احتمال پرداخت سود در صورت عدم اطمینان مدیریت نسبت به پایداری سودهای آتی کاهش می‌یابد در نتیجه پرداخت سود از طریق حصول اطمینان نسبت به پایداری سود، احتمال دستکاری سود توسط مدیریت را از نظر حسابرسان کاهش می‌دهد.

سود سهام نقدی، دستکاری سود و حق‌الزحمه حسابرسی

درحالی‌که انتظار بر این است که پرداخت سود سهام اطمینان می‌دهد که سودهای پایدار مشتریان از کیفیت بالاتری برخوردار هستند، ادبیات موجود نشان می‌دهد که پرداخت سود سهام احتمال تقلب حسابداری را کاهش می‌دهد که این یک نمونه‌ی غیرمترعارف (غیرعادی) از دستکاری سود است. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد شرکت‌هایی که سود سهام پرداخت می‌کنند کمتر احتمال دارد مرتکب تقلب حسابداری شوند (کسکی و هنلان، ۲۰۱۳). بر این اساس هنگامی‌که حسابرسان با ریسک دستکاری سود بیشتر روبرو هستند، پرداخت سود سهام می‌-

تواند باعث کاهش نگرانی حسابرسان از تحریفات عمدی بااهمیت مشتریان شود. این تأثیر از پرداخت سود سهام در قیمت‌گذاری حسابرسی در یک محیط با ریسک دستکاری سود بالا شبیه به نقش نمایندگی درباره پرداخت سود سهام در کاهش ثروت مدیران ناشی از رفتارهای فرصت‌طلبانه است (استربروک، ۱۹۸۴). به این ترتیب، درحالی‌که از حسابرسان انتظار می‌رود در زمانی که ریسک دستکاری سود بالاست حق‌الزحمه بیشتری درخواست کنند، این ریسک زمانی که مشتری سود پرداخت می‌کند کاهش می‌یابد که می‌بایست حق‌الزحمه درخواستی حسابرس کاهش یابد. با این وجود، انتظار بر این است که رابطه مثبت کمتری بین ریسک دستکاری سود و حق‌الزحمه حسابرسی برای مشتریانی که سود سهام پرداخت می‌کنند، وجود دارد.

لاوسن و وانگ (۲۰۱۵)، تأثیر اطلاعات سود سهام نقدی بر ارزیابی حسابرس از ریسک دستکاری سود مشتریان خود را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد حسابرسان حق‌الزحمه کمتری از مشتریانی که سود سهام پرداخت می‌کنند نسبت به مشتریانی که سود سهام پرداخت نمی‌کنند درخواست می‌کنند. همچنین سود سهام نقدی کیفیت سود گزارش‌شده مشتریان را تضمین می‌کند وقتی آن‌ها سود پایدارتری گزارش می‌کنند.

کو (۲۰۱۳) نشان داد که تقسیم سود مشمول مالیات از محتوای اطلاعاتی برخوردار است اما تقسیم سودهایی که مشمول مالیات نیستند اثری بر ضریب واکنش سودهای آتی ندارند. کسکی و هنلان (۲۰۱۳) نشان دادند که شرکت‌های متهم به تقلب، نسبت به سایر شرکت‌ها، سود کمتری پرداخت می‌کنند. همچنین این شرکت‌ها اغلب در سال‌های تقلب نسبت به سال‌های قبل از آن سود کمتری پرداخت می‌کنند. ین و میائو (۲۰۱۱) به شواهدی دست یافتند که ارتباط مستقیم بین وضعیت پرداخت سود تقسیمی و کیفیت سود را تأیید می‌نماید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که سود تقسیم می‌کنند، از اقلام تعهدی اختیاری کمتری استفاده می‌شود، جریان‌های نقدی آن‌ها نوسان کمتری دارد و سود گزارش‌شده، از ارزش مربوط بودن بالاتری برخوردار است. همچنین این ارتباط مثبت بین وضعیت پرداخت سود تقسیمی و کیفیت سود برای شرکت‌هایی که سود بیشتری پرداخت می‌کنند قوی‌تر و برای شرکت‌هایی که سود کمتری پرداخت می‌کنند ضعیف‌تر است.

اسکینر و سولتس (۲۰۱۱)؛ کسکی و هنلان (۲۰۱۳) در آزمون قابلیت اطلاع دهندگی سود تقسیمی به این نتیجه رسیدند که سود گزارش‌شده در شرکت‌های پرداخت‌کننده سود تقسیمی از پایداری بیشتری در دوره‌های آتی برخوردار است، همچنین این اثر در شرکت‌های بزرگ‌تر و شرکت‌هایی که مبالغ بالاتری را به عنوان سود تقسیمی پرداخت می‌کنند، بیشتر نمایان است. لاوسن و وانگ (۲۰۱۱)، در پژوهش خود که به آزمون نقش نظارتی حسابرس در مدل‌های نتیجه و جایگزینی در سیاست تقسیم سود شرکت‌ها بود، دریافتند که مکانیزم نظارتی حسابرسی

مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره سوم، شماره ۱، پیاپی ۸، بهار ۱۳۹۵/ ۱۱۹/

مستقل، رابطه‌ی منفی با احتمال پرداخت سود نقدی و همچنین نسبت پرداخت سود تقسیمی در بین سهامداران دارد که نتیجه بدست آمده مؤید مدل جایگزینی در سیاست تقسیم سود شرکت‌ها بود. آنان همچنین بیان کردند که نقش نظارتی حسابرس مستقل می‌تواند به عنوان مکانیزم حاکمیت شرکتی جایگزین در کاهش هزینه‌های نمایندگی محسوب شود.

آلالی (۲۰۱۱) رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و ارقام تعهدی غیر اختیاری را برای ۸۱۸۷ شرکت، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ بررسی کرد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که بین ارقام تعهدی غیراختیاری و حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین حق‌الزحمه حسابرسی با سودآوری شرکت رابطه منفی دارد. شرکت‌ها در وضعیت مالی ضعیف (زیان) انتظار دارند تا حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت کنند، این امر منجر به افزایش ریسک این شرکت‌ها می‌شود و سودآوری کاهش می‌یابد.

لونتیس و دمیتروپولس (۲۰۱۰) قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی، کیفیت سود و استقلال هیئت‌مدیره را برای ۹۷ شرکت، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ بررسی کردند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه مثبت بین استقلال حسابرسی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی وجود دارد. همچنین رابطه مثبت بین قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی و مدیریت سود وجود دارد که این نتیجه برای شرکت‌های با اندازه کوچک می‌باشد.

واعظ و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود به بررسی رابطه‌ی بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری مختص صاحبکار بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسان متخصص صنعت پرداختند. در این پژوهش از متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، به عنوان شاخص فرصت سرمایه‌گذاری صاحبکار و حاصل ضرب تخصص در فرصت سرمایه‌گذاری صاحبکار، به عنوان شاخص مزاد ناشی از تخصص استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد رابطه‌ی منفی و معناداری بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار و حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد. همچنین فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار به طور منفی و معنادار بر مزاد ناشی از تخصص، تاثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود که احتمالاً به افزایش کیفیت افشای اطلاعات توسط شرکت‌های مذکور مربوط می‌شود.

فرج زاده دهکردی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین سود تقسیمی و کیفیت سود پرداختند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت سود از پنج معیار ارقام تعهدی اختیاری، شفافیت سود، مربوط بودن سود، محافظه‌کارانه بودن سود، پایداری سود و همچنین امتیاز کلی کیفیت سود استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌هایی که سود توزیع می‌کنند در مقایسه با سایر شرکت‌ها از کیفیت سود بالاتری برخوردارند. این نتیجه

برای تمامی معیارهای مجزای کیفیت سود و همچنین امتیاز کلی کیفیت سود، صدق می‌کنند. همچنین، بر مبنای آزمون تحلیل حساسیت، این نتیجه برای شرکت‌هایی که نسبت سود تقسیمی بزرگ‌تری دارند؛ قوی‌تر است؛ بنابراین، نتایج به دست آمده مؤید تئوری‌های موجود در این زمینه بوده و نشان می‌دهند که پرداخت سود تقسیمی و مقدار آن حاوی اطلاعاتی در خصوص کیفیت سود گزارش‌شده توسط شرکت‌ها است.

داروغه حضرتی و پهلوان (۱۳۹۱)، رابطه بین کیفیت گزارش حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی را بررسی کردند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت گزارش حسابرسی، از چهار معیار مدیریت سود، بندهای مشروط در گزارش حسابرسی، نوع حسابرس و ترکیب هیئت‌مدیره استفاده شده است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که چهار عامل ذکر شده رابطه مستقیم و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

دستگیر و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهش خود ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و هزینه حسابرسی را بررسی نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری با هزینه حسابرسی رابطه معنی‌داری دارد.

موسوی و داروغه حضرتی (۱۳۹۰) به بررسی نقش جریان نقد آزاد شرکت‌ها بر حق‌الزحمه حسابرسی در بین تعداد ۳۰۰ سال-شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۷ پرداختند. هدف پژوهش، تعیین این موضوع بود که آیا بین جریان نقد آزاد و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد؟ نتایج بررسی آن‌ها که با روش آماری رگرسیون چند متغیره و ضریب همبستگی پیرسون انجام گرفت، نشان داد که شرکت‌های با جریان نقد آزاد بالا دارای حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری هستند. همچنین در این شرکت‌ها، میزان بدهی و سود تقسیمی با حق‌الزحمه حسابرسی از لحاظ آماری ارتباط معناداری پیدا می‌کند.

تهرانی و ذاکری (۱۳۸۸)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین کیفیت سود و سود تقسیمی پرداختند. در این پژوهش کیفیت سود به عنوان پایداری سود تعریف شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌هایی که سود پرداخت می‌کنند از پایداری سود بیشتری در دوره‌های آتی برخوردارند و همچنین این اثر برای شرکت‌های با نسبت توزیع بالاتر، بیشتر مشخص می‌گردد. بدین ترتیب سود تقسیمی حاوی اطلاعاتی درباره کیفیت سودهای گزارش‌شده می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش

هدف این پژوهش بررسی تأثیر سیاست تقسیم سود بر رابطه‌ی بین کیفیت سود و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، بدین منظور فرضیه-های پژوهش به صورت زیر تدوین شده است.

فرضیه اول: بین پایداری سود و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین پایداری سود و حق‌الزحمه حسابرسی برای شرکت‌هایی که سود نقدی

مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره سوم، شماره ۱، پیاپی ۸، بهار ۱۳۹۵/ ۱۲۱

پرداخت می‌کنند با شرکت‌هایی که سود نقدی پرداخت نمی‌کنند، تفاوت معناداری وجود دارد. فرضیه سوم: بین دستکاری سود و حق‌الزحمه حسابرسی برای شرکت‌هایی که سود نقدی پرداخت می‌کنند با شرکت‌هایی که سود نقدی پرداخت نمی‌کنند، تفاوت معناداری وجود دارد.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع توصیفی کاربردی است و بر اساس ماهیت و روش از نوع همبستگی است، به روش تجربی، تئوری مذکور را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این پژوهش بر اساس طرح پژوهش تجربی با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته است). زمانی از این روش استفاده می‌شود که پژوهشگر پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می‌پردازد، علاوه بر این امکان دستکاری متغیر مستقل وجود ندارد (نمازی، ۱۳۷۹). جامعه‌ی آماری پژوهش، کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ است. در این پژوهش، برای تعیین نمونه‌ی آماری از روش حذف سیستماتیک استفاده شد؛ بدین منظور کلیه شرکت‌های جامعه که دارای شرایط زیر بوده‌اند، به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شده‌اند:

۱. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی ۲۹ اسفند باشد.
 ۲. به منظور همگن بودن اطلاعات، فعالیت آن‌ها تولیدی باشد.
 ۳. اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد.
- با توجه به معیارهای پیش گفته و محدودیت‌های موجود تنها ۸۲ شرکت (بالغ بر ۷۳۸ سال-شرکت) به عنوان نمونه نهایی انتخاب گردید. هم‌چنین از آنجا که در این پژوهش به اطلاعات مالی دوره آتی برای متغیر پایداری سود نیاز بود؛ سال مالی ۱۳۹۳ در دوره زمانی فوق منظور نشد؛ زیرا اطلاعات سال مالی ۱۳۹۴ در دسترس نبود.
- در این پژوهش گردآوری اطلاعات در دو مرحله انجام شده است. در مرحله‌ی اول برای تدوین مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای و در مرحله‌ی دوم، برای گردآوری داده‌های مورد نظر از ماهنامه‌های بورس و سایت‌های بورس و نرم‌افزارهای اطلاعات مالی شرکت‌ها و دیگر منابع اطلاعاتی استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها متغیر وابسته

حق‌الزحمه حسابرس (AudFee): بر اساس لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرس، اندازه‌گیری می‌شود. علت استفاده از لگاریتم طبیعی در محاسبه حق‌الزحمه حسابرس، همگن کردن حق-الزحمه شرکت‌های بزرگ و کوچک می‌باشد. این روش در همه پژوهش‌های قبلی استفاده شده

است.

متغیرهای مستقل

تقسیم سود (Dividend): میزان سود تقسیمی توسط شرکت‌ها معیار اندازه‌گیری سیاست تقسیم سود است که از نسبت سود تقسیمی به سود خالص شرکت‌ها به دست می‌آید (اعتمادی و احمدیان، ۱۳۹۲؛ ستایش و کاظم نژاد، ۱۳۸۹).

پایداری سود (PERSISTENCE): در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری پایداری سود شرکت از مدل زیر (بارس و همکاران، ۲۰۰۱؛ دی‌چو و همکاران، ۱۹۹۸ و کیم و کرو، ۲۰۰۵) استفاده شده است.

$$CFO_{it+1} = \gamma_0 + \gamma_1 CFO_{it} + \gamma_2 EARNINGS_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

در مدل مزبور، γ_2 شاخص (درجه) پایداری سود است، CFO معرف جریان‌های نقدی عملیاتی و EARNINGS معرف کسر سود دوره جاری قبل از ارقام غیرمترقبه بر کل دارایی‌های سال قبل شرکت است.

(Dividend * PERSISTENCE): تأثیر متقابل این اصطلاح برای توجیه اثر سود نقدی پرداختی بر رابطه‌ی بین پایداری سود و حق‌الزحمه حسابرسی به کار گرفته شده است.

دستکاری سود (EARN_MANI): در این پژوهش از قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری به عنوان یک معیار برای اندازه‌گیری دستکاری سود شرکت استفاده شده است. به منظور محاسبه ارقام تعهدی اختیاری از مدل جونز تعدیل‌شده (دی‌چو و همکاران، ۱۹۹۵) استفاده شده است.

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

در این مدل TA_{it} معرف مجموع ارقام تعهدی است. هم‌چنین، A_{it-1} مجموع دارایی‌های شرکت در سال قبل، ΔREV_{it} تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل و PPE_{it} اموال، ماشین-آلات و تجهیزات ناخالص و ε_{it} خطای برآورد و α_1 ، α_2 و α_3 پارامترهای خاص شرکت است. پس از تخمین پارامترهای مدل (۲)، ارقام تعهدی غیراختیاری (NDA) به شرح زیر برای «دوره برآورد» محاسبه می‌گردند.

$$NDA_{it} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \quad (۳)$$

در مدل فوق ΔREC_{it} معرف تغییر در خالص حساب‌های دریافتنی سال جاری نسبت به سال قبل است. در مرحله آخر، ارقام تعهدی اختیاری (DA) بر اساس مدل (۴) محاسبه می‌شود:

$$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - NDA_{it} \quad (۴)$$

لازم به یادآوری است که مجموع ارقام تعهدی به روش زیر محاسبه می‌شود:

$$TA_{it} = E_{it} - CFO_{it} \quad (۵)$$

که در مدل فوق E معرف سود قبل از ارقام غیرمترقبه، CFO معرف جریان‌های نقدی عملیاتی

است.

(Dividend * EARN_MANI): تأثیر متقابل این اصطلاح برای توجیه اثر سود نقدی پرداختی بر رابطه‌ی بین دستکاری سود و حق‌الزحمه حسابرسی به کار گرفته شده است. متغیرهای کنترل:

- اندازه شرکت (LNSIZE): لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت تعریف شده است.
- پیچیدگی شرکت (INVREC): نسبت موجودی و مطالبات شرکت به متوسط دارایی‌های آن است.

$$INVREC = \frac{INVT_t + RECT_t}{[(AT_t + AT_{t-1})/2]} \quad (6)$$

- اقلام تعهدی (ACCR): قدر مطلق کل اقلام تعهدی تقسیم بر متوسط دارایی‌های آن است.
- نرخ رشد (Growth): عبارت است از احتمال رو به رشد بودن فعالیت و سودآوری شرکت در افقی بلندمدت.

$$Growth = \frac{Sale_t - Sale_{t-1}}{Sale_{t-1}} \quad (7)$$

- زیان دهی (LOSS): در صورتی که شرکت زیان‌ده باشد؛ معادل یک و در غیر این صورت، معادل صفر در نظر گرفته می‌شود. این متغیر برای کنترل شرکت‌هایی که زیان اعلام کرده‌اند در نظر گرفته شده است.

- اهرم مالی (LEV): از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت به دست می‌آید.
- نقدینگی (LIQUID): عبارت است از توانایی واحد تجاری در تبدیل دارایی‌ها به پول نقد و واریز تعهدات جاری.

$$LIQUID = \frac{ACT_t}{LCT_t} \quad (8)$$

- اندازه موسسه حسابرسی (AUDSIZE): جامعه حسابداران رسمی هر ساله بر اساس بررسی همپیشگان و بررسی‌هایی که از موسسات عضو بعمل می‌آورد، با توجه به شاخص‌های از پیش تعیین شده، اقدام به ارزیابی موسسات و امتیاز دهی به آنان می‌نماید. امتیاز کسب شده توسط هر موسسه بین ۰ تا ۱۰۰۰ خواهد بود. در نهایت، جامعه فهرست موسسات عضو را بر اساس امتیازهای کسب شده به چهار درجه الف، ب، ج و د تقسیم و رتبه بندی آنها را به صورت رسمی در سایت خود اعلام می‌کند. در این پژوهش، اندازه موسسه حسابرسی یک متغیر مجازی است که اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی یا یکی از موسسات درجه الف مورد رسیدگی قرار گرفته باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد.
- تغییر حسابرس (AUDCHG): در این پژوهش تغییر حسابرس، متغیری است که اگر حسابرس شرکت تغییر کند عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را می‌باشد.

مدل‌های پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه پژوهش، مدل‌های پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، مدل‌های زیر برای انجام آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است (لاوسن و وانگ، ۲۰۱۵).

مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه اول

$$LNAFEES_{it} = \beta_0 + \beta_1 PERSISTENCE_{it} + \beta_2 LNSIZE_{it} + \beta_3 INVREC_{it} + \beta_4 ACCR_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 LIQUID_{it} + \beta_9 AUDSIZE_{it} + \beta_{10} AUDCHG_{it} + \varepsilon_{it} \quad (9)$$

مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه دوم

$$LNAFEES_{it} = \beta_0 + \beta_1 Dividend_{it} + \beta_2 PERSISTENCE_{it} + \beta_3 (Dividend * PERSISTENCE)_{it} + \beta_4 LNSIZE_{it} + \beta_5 INVREC_{it} + \beta_6 ACCR_{it} + \beta_7 Growth_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} LIQUID_{it} + \beta_{11} AUDSIZE_{it} + \beta_{12} AUDCHG_{it} + \varepsilon_{it} \quad (10)$$

مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه سوم

$$LNAFEES_{it} = \beta_0 + \beta_1 Dividend_{it} + \beta_2 EARN_MANI_{it} + \beta_3 (Dividend * EARN_MANI)_{it} + \beta_4 LNSIZE_{it} + \beta_5 INVREC_{it} + \beta_6 ACCR_{it} + \beta_7 Growth_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} LIQUID_{it} + \beta_{11} AUDSIZE_{it} + \beta_{12} AUDCHG_{it} + \varepsilon_{it} \quad (11)$$

۴. یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. با توجه به نزدیکی میانه و میانگین در بیشتر متغیرها و هم‌چنین سایر آماره‌های به دست آمده از متغیرهای مختلف می‌توان بیان کرد که کلیه‌ی متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند. در این میان، میانگین (میانه) حق الزحمه حسابرسی ۵/۹۷۵ (۵/۹۱۹) می‌باشد و بیانگر آن است که بیشتر مشاهدات مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز دارد. علاوه بر این، میانگین (میانه) پایداری سود ۰/۲۷۹ (۰/۲۱۸) می‌باشد. هم‌چنین، میانگین (میانه) دستکاری سود ۰/۱۱۶ (۰/۰۸۱) است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
حق الزحمه حسابرسی	۵/۹۷۵	۵/۹۱۹	۹/۳۰۳	۲/۹۹۶	۰/۷۶۶
تقسیم سود	۰/۴۹۷	۰/۳۳	۴/۹۳۶	۰/۰۰۰	۰/۷۲۶
پایداری سود	۰/۲۷۹	۰/۲۱۸	۳/۹۷۸	-۳/۴۲۶	۱/۸۷۴
دستکاری سود	۰/۱۱۶	۰/۰۸۱	۰/۸۵۲	۰/۰۰۰	۰/۱۱۶
اندازه شرکت	۱۲/۸۷۶	۱۲/۸۱۵	۱۶/۴۳۷	۹/۷۹۷	۱/۱۸۱
پیچیدگی شرکت	۰/۵۱۲	۰/۵۴۲	۰/۸۳۸	۰/۱۰۴	۰/۲۲۱
اقلام تعهدی	۰/۰۳۶	۰/۰۱۴	۱/۰۰۳	-۰/۷۲۲	۰/۱۶۳
رشد فروش	۰/۲۰۶	۰/۱۵۸	۵/۲۱۲	-۰/۸۶۹	۰/۴۵۹
اهرم مالی	۰/۶۵۹	۰/۶۵۸	۱/۷۸۸	۰/۱۴۶	۰/۲۰۹
تقدینگی	۱/۲۴۵	۱/۲۰۲	۲/۳۰۵	۰/۵۰۱	۰/۴۶۴

آمار استنباطی

برای برآورد مدل‌های پژوهش ابتدا با استفاده از آزمون‌های تشخیصی (چاو و هاسمن) نوع مدل انتخاب می‌شود. برای آزمون چاو، ابتدا مدل اثر ثابت زمانی تخمین زده شده است. سپس آزمون چاو را انجام داده بر اساس آماره F لیمر استفاده از روش حداقل مربعات تجمیع شده رد خواهد شد.

جدول (۲): آزمون چاو برای تشخیص داده‌های ترکیبی یا تلفیقی

مدل	آماره آزمون	p - Value	نتیجه آزمون	نوع آزمون
شماره یک	۶۵۰۶/۱۱	۰/۰۰۰	رد می‌شود H0	مدل داده‌های تابلویی
شماره دو	۵۴۹۵/۱۱	۰/۰۰۰	رد می‌شود H0	مدل داده‌های تابلویی
شماره سه	۱۹۶۶/۱۱	۰/۰۰۰	رد می‌شود H0	مدل داده‌های تابلویی

برای انجام آزمون هاسمن ابتدا مدل را به صورت اثر تصادفی تخمین زده و سپس آزمون هاسمن انجام می‌شود. نتایج آزمون هاسمن در جدول (۳) آمده که حاکی از عدم تأیید اثرات تصادفی در برابر اثرات ثابت است.

جدول (۳): آزمون هاسمن برای تشخیص اثر ثابت یا تصادفی

مدل	آماره آزمون	p - Value	نتیجه آزمون	نوع آزمون
شماره یک	۶۳۴۳/۱۱۸	۰/۰۰۰	رد می‌شود H0	اثرات ثابت
شماره دو	۴۱۷۵/۱۲۵	۰/۰۰۰	رد می‌شود H0	اثرات ثابت
شماره سه	۰۳۵۴/۱۲۷	۰/۰۰۰	رد می‌شود H0	اثرات ثابت

در ادامه نتایج مدل‌های مربوط به فرضیه‌ها پژوهش در جدول (۴) و (۵) آمده است:
 جدول (۴): نتایج تخمین مدل‌های اول و دوم

متغیر	مدل اول (فرضیه اول)		مدل دوم (فرضیه دوم)		سطح خطا
	ضریب	آماره‌ی t	ضریب متغیر	آماره‌ی t	
عرض از مبدأ	-۴/۹۳۴	-۸/۹۲۵	-۴/۸۳۳	-۸/۷۴۲	۰/۰۰۰
پایداری سود	-۰/۰۵۶	-۵/۲۱۱	-۰/۰۴۹	-۴/۰۹۵	۰/۰۰۰
تقسیم سود	-۰/۰۵۷	-۲/۳۶۱	۰/۰۱۸
پایداری سود*تقسیم سود	-۰/۰۱۴	-۱/۲۹۱	۰/۱۹۷
اندازه شرکت	۰/۷۹۸	۱۹/۲۷۷	۰/۷۹۵	۱۹/۱۹۳	۰/۰۰۰
پیچیدگی شرکت	۰/۳۱۰	۱/۹۳۳	۰/۳۲۶	۲/۰۳۷	۰/۰۴۲
اقلام تعهدی	-۰/۵۲۵	-۴/۱۹۳	-۰/۵۵۲	-۴/۳۸۹	۰/۰۰۰
رشد شرکت	۰/۲۴۲	۳/۹۵۲	۰/۲۰۵	۳/۲۸۳	۰/۰۰۱
زیان	۰/۱۰۴	۱/۵۸۱	۰/۰۶۸	۱/۰۰۶	۰/۳۱۵
اهرم مالی	۰/۲۵۷	۱/۴۲۵	۰/۲۳۳	۰/۲۹۵	۰/۱۹۶
نقدینگی	۰/۱۳۷	۱/۸۳۰	۰/۱۲۷	۱/۷۰۴	۰/۰۸۹
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۱۵۷	۳/۵۸۱	۰/۱۴۸	۳/۳۷۲	۰/۰۰۱
تغییر حسابرس	-۰/۰۰۳	-۰/۰۶۹	۰/۹۴۴	۰/۰۷۷	۰/۹۳۸
آماره F فیشر (سطح خطا)	۲۰/۳۳۳ (۰/۰۰۰)		۲۰/۱۳۲ (۰/۰۰۰)		
ضریب تعیین	۰/۷۴۱		۰/۷۴۴		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۰۴		۰/۷۰۷		
آماره دوربین واتسون	۱/۷		۱/۶۹۵		

با توجه به آماره F بدست آمده برای هر دو مدل که به ترتیب برابر ۲۰/۳۳۳ و ۲۰/۱۳۲ می‌باشد و هم‌چنین سطح خطای آن‌ها که برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد، می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد در کل مدل‌ها از معناداری بالایی برخوردار هستند. هم‌چنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای هر دو مدل که به ترتیب برابر ۷۰/۴ و ۷۰/۷ درصد می‌باشد، می‌توان گفت که در مدل اول و دوم متغیرهای مستقل و کنترل به ترتیب در حدود ۷۰/۴ و ۷۰/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند. افزون بر این با توجه به آماره دوربین واتسون بدست آمده برای هر دو مدل که به ترتیب برابر ۱/۷ و ۱/۶۹۵ می‌باشند، می‌توان بیان کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان جملات باقیمانده مدل‌ها وجود ندارد.

جدول (۵): نتایج تخمین مدل سوم

مدل سوم (فرضیه سوم)		
متغیر	ضریب متغیر	آماره t
عرض از مبدأ	-۵/۵۶۴	-۹/۹۶۸
دستکاری سود	-۰/۴۴۵	-۲/۳۶۱
تقسیم سود	-۰/۰۵۶	-۱/۳۱۲
دستکاری سود* تقسیم سود	-۰/۰۳۷	-۰/۱۴۳
اندازه شرکت	-۰/۸۴۵	۲۰/۱۴۷
پیچیدگی شرکت	-۰/۳۰۷	۱/۸۸۷
اقلام تعهدی	-۰/۴۳۲	-۳/۲۴۸
رشد شرکت	-۰/۲۳۷	۳/۶۹۹
زیان	-۰/۰۷۶	۱/۰۹۹
اهرم مالی	-۰/۳۷۵	۲/۰۴۷
تقدینگی	-۰/۱۴۹	۱/۹۶۱
اندازه موسسه حسابرسی	-۰/۱۴۳	۳/۲۰۱
تغییر حسابرس	-۰/۰۰۷	-۰/۱۶۹
آماره F فیشتر (سطح خطا)		(۰/۰۰۰) ۱۹/۲۰۴
ضریب تعیین	۰/۷۳۵	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۹۷	
آماره دوربین واتسون	۱/۶۳۶	

با توجه به آماره F بدست آمده برای مدل سوم که برابر ۱۹/۲۰۴ می باشد و هم چنین سطح خطای آن که برابر (۰/۰۰۰) می باشد، می توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد در کل مدل از معناداری بالایی برخوردار هست. هم چنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای مدل سوم که برابر ۶۹/۷ درصد می باشد می توان گفت که در مدل سوم متغیرهای مستقل و کنترل در حدود ۶۹/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می نمایند. افزون بر این با توجه به آماره دوربین واتسون بدست آمده برای مدل سوم که برابر ۱/۶۳۶ می باشد، می توان بیان کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان جملات باقیمانده مدل وجود ندارد.

در ادامه به بررسی نتایج به دست آمده مربوط به فرضیه های پژوهش پرداخته شده است.

آزمون فرضیه ی اول

فرضیه اول به بررسی رابطه ی بین پایداری سود و حق الزحمه حسابرسی می پردازد. با توجه به

نتایج به دست آمده در جدول (۴) از برآورد مدل (۱)، ضریب متغیر مورد نظر برابر $0/056-$ است و با توجه به P-Value آن که برابر با $0/000$ و کمتر از سطح خطای $0/05$ است، در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان $0/95$ مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه‌ی این فرضیه منطبق با مبانی نظری و با پژوهش لاونسن و وانگ (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه‌ی دوم

فرضیه دوم به بررسی تأثیر سیاست تقسیم سود بر ارتباط بین پایداری سود و حق‌الزحمه حسابرسی می‌پردازد. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۴) از برآورد مدل (۲)، ضریب متغیر مورد نظر برابر $0/014-$ است و با توجه به P-Value آن که برابر با $0/197$ و بیشتر از سطح خطای $0/05$ است، در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان $0/95$ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

آزمون فرضیه‌ی سوم

فرضیه سوم به بررسی تأثیر سیاست تقسیم سود بر ارتباط بین دستکاری سود و حق‌الزحمه حسابرسی می‌پردازد. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۵) از برآورد مدل (۳)، ضریب متغیر مورد نظر برابر $0/037$ است و با توجه به P-Value آن که برابر با $0/886$ و بیشتر از سطح خطای $0/05$ است، در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان $0/95$ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی تأثیر سیاست تقسیم سود بر رابطه‌ی بین کیفیت سود و حق‌الزحمه حسابرسی پرداخته شده است. در این پژوهش پایداری سود و دستکاری سود به عنوان شاخص‌های کیفیت سود در نظر گرفته شده است. مطالعات قبلی نشان می‌دهد سود نقدی پرداختی، سود قابل‌اعتمادتر و پایدارتری را نشان می‌دهد؛ همچنین سود نقدی پرداختی احتمال ارتکاب تقلب گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین پایداری سود و حق‌الزحمه حسابرسی است که می‌توان بیان کرد شرکت‌هایی که سود پایدارتری (سود با کیفیت بالا) گزارش می‌کنند ریسک کمتری دارند. در نتیجه، حساب‌رسان حق‌الزحمه کمتری از مشتریانی که سود پایدارتری گزارش می‌کنند نسبت به مشتریانی که سود پایدار گزارش نمی‌کنند، درخواست می‌کنند.

علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان می‌دهد، سود نقدی پرداختی تأثیر معناداری بر ارتباط بین پایداری سود و حق‌الزحمه حسابرسی ندارد. شاید بتوان دلیل معنادار نبودن این فرضیه را چنین بیان کرد، در کشور ایران شرکت‌های زیان‌ده اقدام به پرداخت سود نقدی می‌کنند. در حالی که سود گزارش شده آنها از کیفیت پایینی برخوردار است. نتایج این فرضیه با یافته‌های لاونسن و وانگ (۲۰۱۵) مطابقت ندارد. افزون بر این یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که سود نقدی پرداختی بر ارتباط بین دستکاری سود با حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری ندارد. دلیل رد

مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره سوم، شماره ۱، پیاپی ۸، بهار ۱۳۹۵/ ۱۲۹/

این فرضیه را می‌توان چنین بیان کرد که در کشور ما، سود نقدی پرداختی علامتی برای کاهش ریسک دستکاری سود نیست. این نتیجه با یافته‌های لاوسن و وانگ (۲۰۱۵) مطابقت ندارد. در میان متغیرهای کنترلی مورد بررسی فقط اندازه شرکت، (اقدام تعهدی)، رشد شرکت و اندازه موسسه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد روابط معنادار مثبت (منفی) با حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارند.

در این بخش پیشنهادهای کاربردی بر اساس یافته‌های پژوهش ارائه می‌گردد:

۱- با توجه به این که رابطه منفی و معناداری بین پایداری سود و حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد، پیشنهاد می‌شود مدیران در تصمیم‌های مالی خود دقت داشته باشند، و در غیر این صورت، باید حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش دهند.

۲- به مدیران شرکت‌ها توصیه می‌شود تا جایی که امکان دارد سود تقسیمی خود را بر اساس کیفیت سود و وجوه نقد موجود پرداخت کنند. بنابراین، در صورتی که شرکت جریان نقد کافی داشته باشد ولی سود کمتری به سهامداران خود پرداخت کند، این امر به معنی برآورده نشدن انتظارات سرمایه‌گذاران بوده و در نتیجه ارزش شرکت کاهش می‌یابد.

۳- سرمایه‌گذاران باید نسبت به پایدار بودن سود شرکت‌ها شناخت بیشتری کسب کنند و اطلاعات گزارش شده توسط مدیران را با احتیاط بیشتری تعبیر و تفسیر نمایند.

۴- پیشنهاد می‌شود حسابرسان به سودآوری شرکت‌های مورد حسابرسی توجه داشته باشند و آگاهی و بینش خود را نسبت به ویژگی‌های شرکتی از جمله پایداری سود و میزان سود تقسیمی افزایش دهند تا بتوانند حق‌الزحمه خود را به طور مناسب قیمت‌گذاری کنند.

۵- پیشنهاد می‌شود که سازمان حسابرسی امکانی فراهم آورد تا دانشجویان بتوانند به منظور اجرای هرچه بهتر و دقیق‌تر پژوهش‌های خود، که منجر به توسعه و شکوفایی بیش‌تر رشته حسابداری در سطح جامعه می‌شود، به منابع موجود در این سازمان به آسانی دسترسی داشته و حتی با افراد با تجربه‌ی سازمان مشورت نمایند.

محدودیت‌های پژوهش

۱- با توجه به این که در این پژوهش یکی از متغیرهای اصلی، حق‌الزحمه حسابرسی مستقل می‌باشد، باید بیان شود که متاسفانه تعداد بسیار محدودی از شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تهران اطلاعات مربوط به آن را افشا می‌نمایند و این موضوع باعث شد که تعداد نمونه به ۸۲ شرکت محدود شود.

۲- از دیگر محدودیت‌های موجود در این پژوهش، می‌توان به ارقام استخراج شده از صورت‌های مالی شرکت‌ها اشاره کرد که با توجه به تاثیر قابل ملاحظه تورم بر آن‌ها و عدم تعدیل صورت‌های مالی شرکت‌ها از بابت آن، در صورت تعدیل اطلاعات مذکور ممکن است نتایج

به دست آمده متفاوت از نتایج فعلی شود.

یادداشت‌ها

1. Carcello et al.
2. Latridis & Kadorinis
3. Skinner & Soltes
4. Caskey & Hanlon
5. Fama & Ferenc
6. Lintner
7. Breeden
8. Glassman
9. Sivakumar & Waymire
10. Brav et al.
11. Bedard & Johnstone
12. Easterbrook
13. Hogan & Wilkins
14. Miller & Modigliani
15. DeAngelo & Skinner
16. Badertscher et al.
17. Lawsen & Wang
18. Kuo
19. Yen & Miao
20. Alali
21. Leventis & Dimitropoulos
22. Barth et al.
23. Dechow et al.
24. Kim & Kross
25. Dechow et al.

کتاب‌نامه

۱. افلاطونی، عباس؛ نیکبخت، لیلی، (۱۳۸۹)، کاربرد اقتصادسنجی در تحقیقات حسابداری، مدیریت مالی و علوم اقتصادی، چاپ اول، تهران: انتشارات ترمه.
۲. اعتمادی، حسین؛ احمدیان، وحید، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر نوع بزرگترین سهامدار بر سیاست‌های تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مدیریت داری و تامین مالی، ۱ (۳): ۴۹-۶۶.
۳. تهرانی، رضا؛ ذاکری، حامد، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین کیفیت سود و سود تقسیمی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۲ (۵): ۳۹-۵۵.
۴. داروغه حضرتی، فاطمه؛ پهلوان، زهرا، (۱۳۹۱)، رابطه بین کیفیت گزارش حسابرسی و حق-الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۵ (۱۴): ۱۳-۲۴.
۵. دستگیر، محسن؛ عرب‌الحی، مهدی؛ سلطانی، سمانه، (۱۳۹۰)، بررسی ارتباط بین محافظه-کاری حسابداری و هزینه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری و مدیریت مالی، (۶): ۳۹-۶۶.

- مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره سوم، شماره ۱، پیاپی ۸، بهار ۱۳۹۵/ ۱۳۹۱
۶. رجبی، روح‌الله؛ محمدی خوشوئی، حمزه، (۱۳۸۷)، هزینه نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابداری مستقل، بررسی‌های حسابداری و حسابداری، ۱۵ (۵۳): ۳۵-۵۲.
۷. ستایش، محمد حسین؛ کاظم نژاد، مصطفی، (۱۳۸۹)، بررسی تاثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیئت مدیره بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، ۱ (۱): ۲۹-۵۱.
۸. عاملی، یلدا، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین کیفیت سود و سود تقسیمی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
۹. علوی طبری، سید حسین؛ مجتهد زاده، ویدا؛ سلیمانی امیری، غلامرضا؛ عاملی، یلدا، (۱۳۸۸)، رابطه کیفیت سود و سود تقسیمی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابداری، ۱۶ (۵۶): ۹۳-۱۰۶.
۱۰. فرج زاده دهکردی، حسن؛ همتی، حسن؛ برزده، سید امیر، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین تقسیم سود و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش حسابداری، ۳ (۱۱): ۸۴-۱۰۷.
۱۱. کردستانی، غلامرضا، (۱۳۸۳)، بررسی و تبیین رابطه بین کیفیت سود و واکنش بازار به تغییرات سود نقدی، پایان نامه دکترا، دانشگاه تهران.
۱۲. کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، (۱۳۸۳)، استانداردهای حسابداری، انتشارات سازمان حسابداری.
۱۳. موسوی، سید علیرضا؛ داروغه حضرتی، فاطمه، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۳ (۱۰): ۱۷۳-۱۴۱.
۱۴. مهرانی، ساسان؛ جمشیدی اوانکی، کورش، (۱۳۹۰)، عوامل مؤثر بر تعیین حق الزحمه حسابداری، مجله حسابدار رسمی، دوره جدید، (۱۳): ۶۰-۷۸.
۱۵. نمازی، محمد (مترجم)؛ پژوهش‌های تجربی در حسابداری: دیدگاه روش‌شناختی. چاپ اول. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز؛ ۱۳۷۹.
۱۶. واعظ، سید علی؛ عابدی صدقیانی، بابک؛ نخیلی، اشکان، (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار بر حق الزحمه ی حسابرسان متخصص، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۶ (۲۴): ۱-۲۱.

17. Alali, F. (2011). Audit fees and discretionary accruals: Compensation structure effect. *Managerial Auditing Journal*, 26 (2): 90-113.

18. Badertscher, B., B. Jorgensen, S. Katz, and J. W. R. Kinney. (2013). "Litigation Risk and Audit Pricing: The Role of Public Equity" Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2196253>.

19. Barth, M., D. Cram, and K. Nelson. (2001). Accruals and the Prediction of Future Cash Flows. *The Accounting Review*, 76: 27-58.
20. Bedard, J. C., and K. M. Johnstone. (2004). Earnings manipulation risk, corporate governance risk, and auditors' planning and pricing decisions, *Accounting Review*, 79 (2): 277-304.
21. Brav, A., J. R. Graham, C. R. Harvey, and R. Michaely. (2005). Payout policy in the 21st century, *Journal of Financial Economics*, 77 (3): 483-527.
22. Breeden, R. C. (2003). Restoring Trust: Report to the Hon. Jed S. Rakoff, The United States District Court for the Southern District of New York, on Corporate Governance for the Future of MCI, Inc. Available at <http://www.sec.gov/Archives/edgar/data/723527/000119312503044064/>.
23. Caskey, J. , and M. Hanlon. (2013). Dividend Policy at Firms Accused of Accounting Fraud Dividend Policy at Firms Accused of Accounting Fraud, *Contemporary Accounting Research*, 30 (2): 818-850.
24. Carcello, J., D. Hermanson, T. Neal and R. Riley . (2002). Board characteristics and audit fees, *Contemporary Accounting Research*, 19, 365-385.
25. DeAngelo, H., L. DeAngelo, and D. J. Skinner. (2008). Corporate Payout Policy" *Foundations and Trends in Finance* 3 (2-3): 95-287.
26. Dechow, R. G. Sloan, and A. P. Sweeney. (1995). Detecting earnings management, *The Accounting Review*, 70 (2): 193-225.
27. Dechow, Patricia M., S.P. Kothari, and Ross Watts . (1998). The relation between earnings and cash flows, *Journal of Accounting and Economics*, 25: 133-168.
28. Easterbrook, F. H. (1984). Two Agency-Cost Explanations for Dividends, *American Economic Review*, 74 (4): 650-659.
29. Fama F. E, and Kenneth F. R. (2001). Disappearing Dividends: Changing Firm Characteristics or Lower Propensity to Pay?, *Journal of Financial Economics*, 60 (1): 3-43.
30. Glassman, J. (2005). When numbers don't add up, *Kiplingers*, August, 32-34.
31. Hogan, C. E., and M. S. Wilkins. (2008). Evidence on the audit risk model: Do auditors increase audit fees in the presence of internal control deficiencies?, *Contemporary Accounting Research*, 25 (1): 219-242.
32. Kuo, Nan-Ting . (2013). Dividend tax signaling and the pricing of future earnings: a case of taxable stock dividends, *Review of Quantitative Finance & Accounting*, 40 (3): 539-570
33. Kim, Myungsun and William Kross. (2005). The Ability of Earnings to Predict Future Operating Cash Flows Has Been Increasing – Not Decreasing, *Journal of Accounting Research*, 43 (Dec): 1 – 28.
34. Leventis S. and P. E. Dimitropoulos . (2010). Audit Pricing, quality of earning and board independence: The Cose of the Athens stock exchange, *International Journal of Cardiology*, 26: 325-332.
35. Latridis, G. and G. Kadorinis . (2009). Earnings management and firm

financial motives: A financial investigation of UK listed firms, *International Review of Financial Analysis*, 18: 164-173.

36. Lapsen, B. & Wang, D. (2011). Auditor monitoring and dividend payout policy, Retrieved from <http://www.ssrn.com>.

37. Lapsen, B. & Wang, D. (2015). Do Dividends Inform Auditors about Clients' Earnings Quality? Evidence from Audit Pricing, Retrieved from <http://cepd.okstate.edu/accounting/arc/>.

38. Lintner, J. (1956). Distribution of incomes of corporations among dividend, retained earnings, and taxes, *American Economic Review*, 46: 97-113.

39. Miller, M. H., and F. Modigliani. (1961). Dividend Policy, Growth, and the Valuation of Shares, *Journal of Business*, 34 (4): 411-433.

40. Skinner, J. D. and Soltes E. (2011). What Do Dividend Tell us About Earnings Quality?, *Review of Accounting Studies*, 16(1) : 1-28.

41. Sivakumar, K. N., and G. Waymire. (1993). The Information-Content of Earnings in a Discretionary Reporting Environment - Evidence from NYSE Industrials, 1905-10, *Journal of Accounting Research*, 31 (1): 62-91.

42. Yen H. Tong and Bin Miao. (2011). Are Dividends Associated With The Quality of Earnings?, *Accounting Horizons*, 25(1): 183-20